دیباچه

راه اثرگذاری هشتگ‌ها، این نیست

سیدحسن موسوی‌چلک*
رئیس انجمن مددکاری ایران

سرنوشت بسیاری از فعالیت‌های ما در شبکه‌های مجازی مشخص نیست؛ به‌ویژه آن‌دست از فعالیت‌ها که اختصاص به کاویدن مسائل و معضلات اجتماعی دارد. گاه، انتشار یک خبر یا حتی منتشرنشدن و بایکوت خبری، ما را بر آن می‌دارد یک‌شبه فضاهای مجازی را با انواع فراخوان‌ها، هشتگ‌ها، پویش‌ها و... فتح کنیم، اما درست چند روزی از ماجرا نگذشته که آن موج سهمگین، فروکش کرده و حتی از یاد می‌رود. شاید به همین دلیل است که موضوع فضای مجازی را نه‌فقط به‌عنوان یک فرصت، بلکه به‌عنوان یک تهدید هم باید نگریست.

این‌روزها که دسترسی به اطلاعات به‌شدت افزایش یافته و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حال تسهیل ارتباط ما با دنیا و با یکدیگر هستند، این ما هستیم که با انتخاب نوع و چگونگی استفاده از فضاهای مجازی، می‌توانیم از این فضاها یک تهدید یا یک فرصت مغتنم بسازیم. مغتنم از این بابت که دریافت نظرهای گوناگون درباره موضوعی واحد، گاه با برگزاری جلسات مختلف و صرف زمان و هزینه قابل‌ملاحظه‌ای انجام‌پذیر می‌شود، حال آنکه می‌توان با یک هشتگ ساده یا طرح درست یک موضوع در شبکه‌های اجتماعی، انواع کامنت‌ها و اظهارنظرها را حول‌محور مورد نظر دریافت کرد، بی‌آنکه هزینه‌ای دربر داشته یا نیاز به سازماندهی‌های زمان‌گیر داشته باشد. این فرصت کامنت‌گذاشتن را باید قدر دانست و کاش می‌شد محتوای این اظهارات، تجزیه و تحلیل شود تا حداقل افق تازه‌ای را در دید اجتماعی مردم نسبت به یک چالش اجتماعی بگشاید. اما واقعیت این است شبکه‌های اجتماعی ساختارمند نیستند، آنها موج‌هایی از احساسات مردمی را در مقاطعی خاص با خود حمل می‌کنند؛ آغازی دارند، اوجی و سپس فرودی ساکت و سرد و طبعا نمی‌توانند اثربخشی یک سازمان را در خود داشته باشند. سربازانی در جاده نی‌ریز کشته می‌شوند، هشتگ آنها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود اما بی‌نتیجه رها خواهد شد، چراکه این‌گونه فعالیت‌ها، بسته به خوراک خبری‌ای که روزانه به سویشان سرازیر می‌شود، زنده‌اند و در غیراین‌صورت، ایجاد یک کار سازمانی حول محور بررسی پدیده؛ آن‌هم در فضایی مانند رسانه‌های مجازی، تقریبا غیرممکن است.

یادمان نرود فعالیت در شبکه‌های مجازی، «ارتباط» نیست، بلکه «اتصال» است. ارتباط پدیده‌ای هدفمند و به قصد و منظوری خاص انجام می‌شود، اما اتصال هدفمند نیست و به همین دلیل است که موجی پس از موجی دیگر به راه می‌افتد بدون آنکه سرنوشت موج‌های پیشین معلوم شده باشد. گاهی یک فیش حقوقی، گاهی خودکشی یک نوجوان و گاهی هم یک قتل ناموسی، هزاران دلیل پیش‌روی ما فراهم است که با راه‌اندازی موج‌های مجازی، از نگرانی‌های خود بگوییم، اما سؤال اینجاست پس چرا این همه زحمت، اثربخشی اندکی دارد؟ شاید به دلیل ویژگی‌های فضای مجازی باشد، شاید هم به دلیل رابطه ما با این فضاهاست؛ ما هنوز فضای مجازی را باور نکرده‌ایم، حتی می‌توانم بگویم با این فضاها دست آشتی نداده‌ایم، پس طبیعی است انرژی‌ای که صرف ایجاد یک موج می‌شود، هدر رفته و به جای آنکه کار ما، شکل دلسوزی به خود گیرد، به سرگرمی خودمان یا دیگران بدل می‌شود.

بد نیست از موضوع سواد فضای مجازی هم در این‌میان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نیمه‌کاره‌ماندن بسیاری از هشتگ‌ها حرف بزنیم. بله! من هم مانند شما قبول دارم در دست بسیاری از ما، یک گوشی هوشمند قرار گرفته، اما آیا حضور ما هم در شبکه‌های مجازی و فضای رسانه‌ای آنها به همین اندازه هوشمند شده است؟ آیا بلدیم چطور از این ابزارها استفاده بهینه کنیم؟ آیا یاد گرفته‌ایم چطور گول شایعات را نخوریم و به قول جوان‌ها، الکی جو ندهیم؟ اگر این‌طور است، چرا شایعه مرگ این‌وآن را وقتی که هنوز زنده‌اند، منتشر می‌کنیم؟ چرا بر کوس رفتن استاد شجریان می‌زنیم؛ وقتی که او در سخت‌ترین شرایط زندگی، به امنیت و آسایش روانی نیاز دارد؟ نه! ما می‌توانیم با گوشی‌هایمان به گوشه‌گوشه این دنیای فراخ مجازی نظر بیفکنیم، اما هنوز حضور ما در شبکه‌های مجازی، هوشمند نشده است. باز هم دلیل می‌خواهید؟ هنوز هم هست، مثلا اینکه فراموش کرده‌ایم، خوب‌وبد روزگار را با هم ببینیم و این‌طور است هشتگ‌های ما بیشتر از اینکه زنگ خطری هوشمندانه باشند، برای آسیب‌های اجتماعی، نوعی نق‌زدن هستند. فضای مجازی، امروز پر شده است از پرداختن جدی و طنزگونه به مسائل منفی و تک‌وتوک هشتگ‌هایی که به موضوعات مثبت و با انرژی می‌پردازند، به‌راحتی انگ شنگول‌بودن می‌خورند. چنین برآوردی از جامعه، هرچه باشد، برآوردی یک‌طرفه و صرفا برای اعتراض‌کردن است و چه جایی بهتر از شبکه‌های مجازی. این‌طور می‌شود که هشتگ‌های خوب هم به آتش هشتگ‌های بد می‌سوزند و فراموش می‌شوند، درحالی‌که می‌توانستند در بدنه جامعه رسوخ کنند، مردم را تحت‌تاثیر قرار دهند و تأثیرگذار باشند. اگر قرار است هشتگ ما در شبکه‌های اجتماعی، تلاش فردی ما در جهت بهبود اوضاع باشد، راهش این نیست؛ راه را باید دوباره کشف کرد.

#شجریان؛ حال استاد خوب است؟

هنوز صدای نقاره زن‌های حرم امام رضا در گوش مردم بود و بوی اسکناس‌های عیدی را از لای قرآن حس می‌کردند که در شبکه‌های اجتماعی ولوله افتاد. این بار دیگر نه خبری از شایعه بود و نه یک کلاغ و چهل کلاغ. این خود استاد بود که با سری تراشیده روبه‌روی دوربین نشسته و به هم‌وطنانش می‌گوید در تنش، میهمانی ناخوانده دارد و حالش این روزها چندان خوش نیست. به محض انتشار این ویدئو، فقط در سایت یوتیوب، بیش از ۲۰ میلیون مخاطب سراغش را گرفتند. تلگرام، واتس‌اپ، توییتر و بعد هم فیس‌بوک پر از کامنت‌ها، پیام‌ها و انتشار عکس‌هایی در وصف استاد محمدرضا شجریان شدند. در همین فاصله بود که هشتگ شجریان هم داغ داغ شد. او که هر سال نزدیک به ماه رمضان به یکی از پربازدیدترین کلمه‌های شبکه‌های اجتماعی بدل می‌شود، این بار سه ماه زودتر خبرساز شده بود و خبر، آن‌قدر تلخ بود که هشتگش، دست‌به‌دست بچرخد و گروهی خدا را شکر کنند مانند عباس کیارستمی اینجا بر تخت بیمارستان نخوابیده و گروهی دیگر، دل‌نگران باشند نکند این رمضان هم بیاید و ربنای او در تلویزیون پخش نشود. اتفاقا در همین‌روزها، انتشار هر عکس یا خبر کوچکی، موجی از هشتگ‌ها را با پسوند و پیشوند شجریان روانه شبکه‌های اجتماعی می‌کرد، اما درست در کنار این کلمه مبارک، نام شوم «سرطان» هم ضمیمه بود، چراکه میهمان ناخوانده تنِ خسرو آواز ایران همین بود! هشتگ‌هایی درباره نوع سرطان استاد، شیوه درمانش، میزان وخامت و حتی روش‌های طب چینی برای درمان این بیماری، خیلی زود فضای شبکه‌های مجازی را داغ کردند، اما چه فایده که کم‌کم رنگ باخته و به شایعه‌سازی بدل شدند. درست از فردای درگذشت عباس کیارستمی عزیز، نگاه‌ها به سمت هشتگ‌های شجریان رفت و اضطراب‌ها زیاد شد.

#موزه هنرهای معاصر؛ از تجمع تا فراموشی

اسناد فروش واگذاری موزه هنرهای معاصر به بنیاد رودکی، پیش از تحویل سال ۹۵، در اختیار گروهی قرار گرفته بود اما صبر کردند تا با تصمیم دولت برای این معامله عوض شود یا وقت انتشار آن فرابرسد و چه وقتی بهتر از فروردین کم‌خبر که چنین خبری را می‌توانست به بحرانی تبدیل کند. چندروزی از تعطیلات نوروزی نگذشته بود که این خبر مثل بمب ترکید و در فضاهای مجازی با هشتگ موزه هنرهای معاصر مطرح شد. از نتیجه‌های فوری این هشتگ همین بس که گروه‌های مختلف هنرمندان از بازیگران گرفته تا معماران، در تجمعی مقابل موزه هنرهای معاصر، خواهان لغو این تصمیم شدند. نامه‌ای به رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد نوشته و منتشر شد تا تقریبا خیال همه راحت باشد فعلا خبری از واگذاری این موزه ارزشمند نیست. اما پس از رسیدن به این نتیجه مقطعی، هشتگ موزه هنرهای معاصر هم فراموش شد و اکنون اگر در شبکه‌های اجتماعی جست‌وجوی کوچکی انجام دهید، خیلی راحت متوجه می‌شوید دیگر خبری از آن نیست و البته این بی‌خبری‌ها نگران‌کننده است.

#کاشی‌های تاریخی؛ مشت نمونه خروار

سابقه سرقت کاشی‌های تاریخی از عمارت‌های قدیمی و بعضا ثبت‌شده در فهرست آثار ملی کشور، حداقل به ۲۰ سال گذشته برمی‌گردد، حتی سال ۹۴ یکی از تلخ‌ترین سال‌ها برای کاشی سردر خانه‌های قدیمی در تهران بود، اما هشتگ کاشی‌های تاریخی متولد سال ۹۵ است. ماجرا آن بود آگهی فروش کاشی‌های سرقت‌شده از کاخ نیاوران در یک سایت فروش آنلاین، توجه مخاطبان فیس‌بوکی را جلب کرد و کم‌کم بنای این هشتگ در اینستاگرام و توییتر گذاشته شد. پس از آن بود که تهران‌گردان با انتشار عکس‌هایی از بناهای قدیمی تهران، عمق فاجعه را نشان دادند؛ خانه‌هایی قدیمی با سردرهایی که رد کاشی‌های به سرقت‌رفته در آنها اظهرمن‌الشمس بود. اما جالب اینجاست با وجود زنده‌بودن این هشتگ در شبکه‌های اجتماعی، نه رئیس سازمان میراث فرهنگی و نه مسئولانش در اداره‌های استان‌های مختلف، اظهارنظری دراین‌باره نکردند تا بلکه سکوت، خاطره این سرقت‌های فرهنگی را از ذهن مردم پاک کند، اما چندی نگذشته بود که پیداشدن برخی از کاشی‌ها به‌ویژه در شهرهایی مثل شیراز، نشان داد سارقان چندان هم غریبه نبوده‌اند و اگر این هشتگ‌ها دست به کار نمی‌شدند، معلوم نبود کاشی‌های به سرقت‌رفته، در موزه‌های کدام کشور دنیا به نمایش درمی‌آمدند.

#سربازی؛ از نی‌ریز تا تهران

یکی، دو ساعت بعد از آنکه اتوبوس سربازان ۰۵ کرمان در جاده نی‌ریز چپ کرد، رسانه‌های رسمی با سردی هرچه تمام‌تر، از پوشش چنین خبر مهمی، طفره رفتند اما شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه تلگرام و توییتر، لحظه‌به‌لحظه با انتشار عکس و خبر، با مردم همراهی کردند. از آن روز، هشتگ سربازی در شبکه‌های مجازی متولد شد و بالید، اما هنوز به چهلم آن سربازان نرسیده‌ایم که این هشتگ به‌مرور کارکرد خود را از دست داده و درنهایت خبررسانِ اخبار تلخ دیگری شده که همچنان دامان سربازان کشور را می‌گیرد. انتشار عکس شیوه انتقال سربازان کشته‌شده به جایی در جنوب کشور، یکی از همین خبرهای تلخ بود که نگذاشت برای همیشه هشتگ سربازی فراموش شود. بااین‌همه، به نظر می‌رسد هنوز وقت آن نرسیده هشتگ سربازی رونق خود را به طور کامل از دست دهد. عصر روز سه‌شنبه هفته گذشته، دوباره ونی که حامل سربازان نیروی دریایی ارتش به منطقه رویان بود، در سی‌سنگان واژگون شد و داغی به داغ پرونده همیشه باز سربازی اضافه کرد. شاید در چنین وضعی است که کاربران شبکه‌های اجتماعی باید از خود بپرسند آیا توانسته‌اند با آن هشتگ سربازی، اتفاقی پررنگ برای بهبود شرایط سربازان به وجود آورند یا صرفا هیاهوی بی‌نتیجه‌ای داشته‌اند؛ شبیه به صدای فالش‌آلات موسیقی در یک ارکستر بزرگ؟ پاسخ به این سؤال سخت است، اما به نظر می‌رسد هشتگ سربازی حداقل از دیگر هشتگ‌های اجتماعی امسال در فضای مجازی کشور موفق‌تر بوده و دلیل آن هم خبری است که اواخر هفته گذشته از سوی سردار کمالی، مبنی بر ایجاد تغییراتی در خدمت سربازی اعلام شد.

۱۰ هشتگ ناکام و کامروا

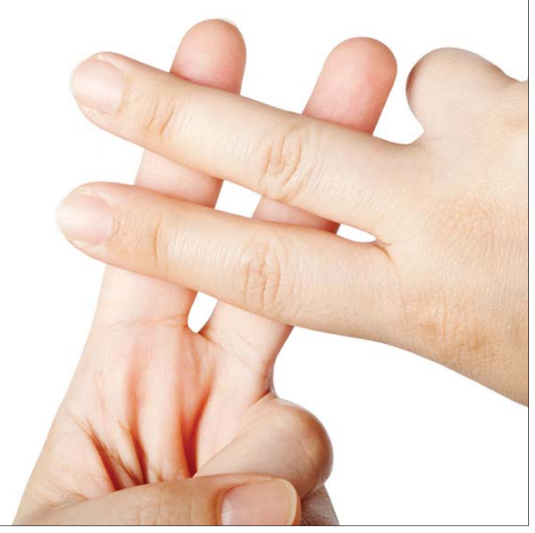

سعید برآبادی: در ویکی‌پدیا هشتگ را این‌طور تعریف کرده‌اند: «یک نماد پیشوندی و یکی از تگ‌های ابرداده است. هشتگ ابزاری برای دسته‌بندی پیام‌ها فراهم می‌کند تا افراد بتوانند آن هشتگ را جست‌وجو کنند و مجموعه‌ای از پیام‌هایی را که شامل آن هستند، به دست آورند». اگرچه براساس همین تعریف، هشتگ‌های سیاسی پرکاربردترین هشتگ‌های شبکه‌های اجتماعی هستند، اما میان کاربران فارسی‌زبان وضع فرق می‌کند. قرار است بدون مقدمه‌ای بیشتر، به پرکاربردترین هشتگ‌هایی که از ابتدای سال تا امروز فضاهای مجازی کاربران فارسی‌زبان را درنوردیده، نگاهی کنیم و ببینیم چرا بسیاری از این هشتگ‌ها به محض فروش‌کردن اخبار داغ‌شان، فراموش می‌شوند:

#شلاق؛ از عرق پیشانی کارگران چه خبر؟

راست است که می‌گویند کارگران هنوز نتوانسته‌اند صدای خود را در سطح جامعه به گوش همگان برسانند. اردیبهشت‌ماه بود که برای دسته‌ای از کارگران اتفاق تلخی افتاد و آنها که برای گرفتن حقوق عقب‌افتاده‌شان رفته بودند، با حکم شلاق به خانه بازگشتند اما چنین خبری چندان بازتابی نداشت تا اینکه به شبکه‌های مجازی رسوخ کرد و هشتگ اصلی بهار امسال شد. موج این هشتگ چنان سنگین بود که اخبار ناگوار از تعویق حقوق کارگران بسیاری از کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و واحدهای صنعتی و خدماتی، از گوشه‌گوشه کشور به توییتر، فیس‌بوک و تلگرام راهی شد. هیچ‌کس نمی‌دانست چطور باید نسبت به این چالش بزرگ اجتماعی- اقتصادی واکنش نشان دهد. گروهی از هشتگ‌گذارها، معتقد به انتشار عکس‌ها و متن‌هایی در رثای مشکلات کارگران بودند و گروهی دیگر از دولت و قوه قضائیه می‌خواستند نسبت به سفره‌های کوچک این مردم سخت‌کوش وارد عمل شوند. جالب اما اینجاست که همین انسجام‌نداشتن، کار هشتگ شلاق را ساخت و ماجرای حقوق کارگران تا اطلاع ثانوی بی‌فروغ و کم‌رونق شد، تا باز چه پیش آید و جامعه کارگری کشور در چه تنگنایی رو به سوی فضای مجازی بیاورد.

#دیاثت فرهنگی؛ از جنجال تا سوءاستفاده فراستی

اگرچه «شرق» در ابتدا اظهارات آیت‌الله جوادی‌آملی در دیدار با محمدرضا عارف را پوشش خبری نداد، اما خیلی زود معلوم شد آنچه در این دیدار ردوبدل شده، می‌تواند خوراک خبری مناسبی برای بسیاری از رسانه‌های افراطی باشد. ایشان در آن دیدار گفته بودند کسانی که راه نفوذ بیگانگان را در فضای اقتصادی یا سیاسی به کشور می‌گشایند، از غیرت اقتصادی یا سیاسی برخوردار نبوده و دیوث هستند. این اظهارات خیلی زود بهانه‌ای به دست رسانه‌های اصولگرا داد تا ترکیب‌های تازه‌ای از آن بسازند و به سوی اردوگاه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون پرتاب کنند، اما بارزترین سوءاستفاده از این عبارت را مسعود فراستی در برنامه تلویزیونی «هفت» کرد؛ آنجا که در نقد فیلم کمال تبریزی از واژه «دیاثت فرهنگی» استفاده کرد. هشتگ دیاثت فرهنگی، چنددقیقه‌ای بعد از این برنامه زنده تلویزیونی که لابد میلیون‌ها بیننده دارد، به راه افتاد و صدها هزار بار تکثیر شد، اما فراستی با فراست لازم، نه‌فقط از حرفی که زده بود کوتاه نیامد، بلکه دفاع جانانه‌ای از آن کرد. شاید اگر خبرهای داغ یکی بعد از دیگری نمی‌آمدند، این هشتگ به یکی از ماندگارترین هشتگ‌های بهاری شبکه‌های اجتماعی بدل می‌شد، اما اکنون بسیاری از کاربران وقتی که بخواهند فحش محترمانه‌ای سر دهند یا کسی را دست بیندازند، از این عبارت استفاده می‌کنند و به‌سادگی از کنار خطای پوزش‌ناپذیر فراستی می‌گذرند.

#دهه‌هشتادی؛ نوجوان‌هایی که کوروش را فتح کردند

اکنون دیگر دهه هشتادی‌ها، بیشتر از همیشه میان ایرانی‌ها شناخته شده‌اند. نسلی که معلوم نبود چرا کلاه‌هایی با مارک «تهران» به سر می‌گذارند، شلوارهایشان از پا آویزان است و حتی در معابر عمومی شهر با رفقایشان رپ می‌کنند، حالا شناخته شده‌اند، چراکه هشتگ دهه هشتادی‌ها، درست چند ساعت پس از آنکه مأموران پلیس میتینگ آنها را در مجتمع کوروش به هم زد، در شبکه‌های اجتماعی متولد شد. دهه هشتادی‌های عینک کائوچویی، بچه‌های همیشه خسته‌ای که هدفون‌های بزرگ به گوش می‌زنند و لباس‌های عجیب‌وغریب می‌پوشند به مدد همین هشتگ شهرتی برای خود دست‌وپا کردند که دهه شصتی‌ها را وادار به مقابله کرد. اما مقابله پیشاپیش یک نتیجه روشن داشت؛ آنها در شبکه‌های اجتماعی، دهه شصتی‌ها را متهم کردند در عمرشان چنین میتینگ بزرگی برگزار نکرده‌اند و حتی در بدترین شرایط اجتماعی روزگار خود، نتوانسته‌اند به صورت مسالمت‌آمیز، جایی جمع شوند و از حقوق خود دفاع کنند. این‌طور بود که هشتگ دهه هشتادی‌ها، از یک خبر تلگرامی به فیس‌بوک و توییتر کشید و از آنجا بارقه برگزاری چنین میتینگ‌هایی تا مشهد، تبریز و شیراز هم رفت. هشتگ دهه هشتادی‌ها از آن هشتگ‌هایی است که فعلا از حافظه شبکه‌های مجازی پاک نمی‌شود، چراکه حالا به ذهن و ادبیات روزمره مردم عادی هم وارد شده و کافی است نوجوانی را در جایی ببینند که با صدای بلند موزیک گوش می‌دهد یا گوشه ابرویش را حلقه انداخته و بعد پچ‌پچ‌کنان به هم بگویند: «جوجه‌های دهه هشتادی‌رو!».

#تتو-علیدوستی؛ ماجرا ادامه دارد اما آرام

همه‌چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا ایرانی‌ها خودشان را صاحب بی‌اماواگر یکی از مهم‌ترین جایزه‌های سینمایی جهان بدانند. اما یکباره، وسط یک نشست خبری، آستین ترانه علیدوستی کمی بالا رفت و عکاسان، عکس مچ دست او را ثبت کردند؛ مچی که روی آن یک آرم فمینیستی دیده می‌شود. رسانه‌های اصولگرا، عکس را چند برابر بزرگ کرده و توپ‌خانه‌شان علیه فرهادی، جشنواره کن و فیلم‌هایی که به‌نظرشان، سیاه‌نمایی است، دوباره روشن شد و هم‌زمان هشتگ تتو و علیدوستی در شبکه‌های اجتماعی فوران کرد. یکی از صاحب بدن خود بودن می‌گفت و دیگری از منع شرعی تتو. یکی از این بازیگر به دلیل گرایش‌های فمینیستی‌اش انتقاد کرد و دیگری به دلیل حمایت از زنان، برایش بیگ لایک گذاشت. رسانه‌ها هم باید تعیین تکلیف می‌کردند، گروهی این طرف خط و گروهی جزء مخالفان تتو، ترانه علیدوستی، فروشنده و ... ایستادند. با این همه، این هشتگ چند روز بعد کم‌کم از فروغ افتاد و اگر پست تازه ترانه علیدوستی در دفاع از حرکتش نبود، بعید نبود این تتو هم به سرنوشت تتو بهاره رهنما، اشکان دژاکه و بسیاری دیگر از هنرمندان بدل شود. اما ترانه علیدوستی انگار نمی‌خواهد با زدن به کوچه علی‌چپ و مدارا و سکوت، از خیر ماجرا بگذرد. او به نظرش کار بدی نکرده و بدون اینکه بخواهد کارش را ترویج کند، روی اعتقادش ایستاده است.

#فیش‌های حقوقی؛ موفقیت از آنِ کیست؟

در موفقیت هشتگ فیش‌های حقوقی شکی نیست، اما سؤال اینجاست این موفقیت به کدام جریان سیاسی کشور تعلق دارد. روکننده اولین فیش حقوقی که به رئیس یک شرکت بیمه دولتی تعلق داشت، رسانه‌های اصولگرا بودند پس بعید نیست حالا که حداقل نصف کابینه را متهم به اهمال در پرداخت حقوق‌های میلیونی به کارمندان دولت کرده‌اند، مخالفان دولت تدبیر و امید از این هشتگ سود خودشان را برده باشند و رهایش کنند. اما مسئله اینجاست اگر هشتگ فیش حقوقی را در شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو کنید، با کلی اظهارنظر عجیب‌وغریب روبه‌رو می‌شوید؛ از دریافت حقوق مدیرمسئول کیهان از سوی سپاه گرفته تا فیش حقوقی پزشک جراحی که پرستارانش آن را در فضای مجازی منتشر کرده‌اند. با این حساب، شاید بشود گفت موفقیت هشتگ فیش‌های حقوقی حالا منحصر به جناح اصولگرا نیست و این مردمند که توانسته‌اند برای اولین‌بار در تاریخ انقلاب، از حقوق مسئولان کشوری خود مطلع شوند. در این میان، دولت هم با عذرخواهی و دستور اکید پیگیری، برخورد و حتی تغییر قانون پرداختی‌ها، نشان داد فضای رسانه‌ها را رصد می‌کند و از هشتگ‌ها، سرسری نمی‌گذرد. اما جالب اینجاست حالا مردم عادی هم دست‌به‌کار شده‌اند و حقوق‌های ناچیز خود را با این هشتگ منتشر می‌کنند به این امید که کسی برای سفره کوچک‌شان فکری کند.

#خطای پزشکی؛ داغ کیارستمی بر دل مردم

در شرایط کنونی زنده‌ترین هشتگ فارسی شبکه‌های اجتماعی، همین هشتگ خطای پزشکی است. هرکسی براساس خاطره‌های بدوخوبی که از درمان و جراحی خود دارد، چیزی در تأیید یا رد توان پزشکی کشور می‌نویسد و همین موضوع باعث شده با فاصله‌گرفتن از روز درگذشت عباس کیارستمی، پرونده خطای پزشکی یکی از جدی‌ترین موضوعات روز جامعه باشد. جلسه‌ای پنج‌ساعته که به اقرار بسیاری، اولین جلسه کارشناسی بعد از انقلاب است که با بیش از ۳۰ عضو برگزار می‌شود، قرار است به سؤالات مردم درباره میزان تقصیر پزشکان در درگذشت کیارستمی پاسخ دهد. پاسخ‌های آنها هرچه باشد، قطعا جامعه را نسبت به مسئله پزشکی حساس‌تر خواهد کرد و هشتگ خطای پزشکی، پربیننده‌تر از قبل خواهد شد. در این میان، جالب اینجاست جامعه پزشکی کشور هم بی‌کار ننشسته‌اند و با ساخت هشتگ‌های موازی یا کامنت بازی، سعی کرده‌اند این حرکت مردمی را بی‌پاسخ نگذارند. هشتگ خطای پزشکی در جمعه‌ای که گذشت هم باز یکی از پربازدیدترین کلیدواژه‌های شبکه‌های اجتماعی بود؛ چراکه معترضان خاموش مرگ کیارستمی از عصر چهارشنبه اطلاع‌رسانی کردند قرار است روبه‌روی بیمارستان جم تهران جمع شوند و نسبت به مرگ یکی از چهره‌های تأثیرگذار سینمای ایران اعتراض کنند.

خداحافظ هم‌سنگر...

ستوان‌یکم سمانه مهربانی*

سبز که می‌پوشی، نگاهت کنده می‌شود از زمین به سمت آسمان و روحت بال‌بال می‌زند برای کبوترشدن. لحظه‌لحظه زندگی‌ات تلاشی است عاشقانه برای جنگیدن و پشت‌سرگذاشتن ثانیه‌های سخت، همه‌وهمه تنها برای بخشیدن حس آرامش و امنیت به قلب‌ها و ذهن‌هایی که شاید هرگز تو و فداکاری‌هایت را نبینند و تنها زمانی نام پرافتخارت در گوششان طنین‌انداز شود که پیکرت در آغوش مهربان پرچم سه‌رنگ سرزمینت کبوترانه در مسیر پیوستن به آبی بی‌کران خاطره‌هاست، آنگاه که بر دست‌های هم‌سنگرانت چون قهرمانی فراموش‌ناشدنی در میان حزن و شکوه حماسی مارش نظامی بدرقه می‌شوی... . عوامل زیادی در ایجاد حس صمیمیت و یکرنگی و هماهنگی و تعهد سازمانی در بین پرسنل یک سازمان مؤثرند. در یک یگان نظامی نیز پوشش مصوب و هماهنگ، اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه، سرود سازمانی و سوگندنامه و ادای احترامات نظامی موجب جلب صمیمیت و افزایش همبستگی و تحکیم مبانی انضباطی می‌شود و طبق ماده ۷۶ فصل نهم آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، رعایت آن از طرف پرسنل نیروهای مسلح ضروری است. یکی از باشکوه‌ترین مصادیق این امر اجرای مراسم تشییع پیکر شهداست که به منظور تجلیل و احترام نسبت به کارکنان ناجا که به درجه رفیع شهادت نائل می‌شوند مراسمی به شرح ذیل اجرا می‌شود. در ابتدا تعریف برخی اصطلاحات و مفاهیم نظامی ضروری است:

۱- یگان تشریفات: تعدادی از کارکنان پایور یا وظیفه یگان مربوط که دارای ورزیدگی و تناسب‌اندام بوده و برای اجرای مراسم تشریفات انتخاب می‌شوند و از آنان استفاده خدمتی به عمل می‌آید.

۲- یگان رزم‌نواز: به مجموعه عناصری اطلاق می‌شود که با لباس رسمی در مراسم حضور یافته و نسبت به نواختن رزم‌آهنگ مراسم اقدام می‌کنند.

۳- البسه تشریفات: لباس رسمی فصل شامل کت یا فرنج، شلوار، پیراهن، پلیور و پوتین مصوب با روکش سفید، کلاه‌کاسکت سفید تشریفات، دستکش سفید پارچه‌ای، واکسیل (شان‌آویز)، کاشکول زرد طلایی با آرم ناجا و کمر حمایل سفید است.

۴- تجهیزات عناصر تشریفات: فرمانده از شمشیر و سایر کارکنان از سلاح انفرادی استفاده می‌کنند.

اجرای مراسم تشییع پیکر شهدا در ناجا الزامی بوده و اجرای مراسم فوق به ترتیب ذیل خواهد بود:

تشریفات مربوط به پیکر مطهر شهید نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با حضور یگان رزم‌نواز و یک دسته ۳۶نفره از عناصر تشریفات مراسم انجام و پیکر مطهر با آمبولانس سازمانی- حمل خواهد شد - پیکر مطهر شهید در داخل تابوت و با پوشش پرچم جمهوری اسلامی ایران در محلی که از آنجا تشریفات نظامی به عمل خواهد آمد، قرار داده و تشییع می‌شود.

- عکس شهید در قابی به ابعاد ۵۰×۷۰ تهیه و در جلو پیکر مطهر شهید توسط احدی از عوامل تشریفات حمل می‌شود.

- تاج گل‌های اهدایی بنا بر وضعیت محل و با رعایت سلسله‌مراتب مقامات اهداکننده در اطراف پیکر پاک شهید قرار داده خواهد شد و توسط عوامل تعیین‌شده از عناصر تشریفات حمل می‌شود.

- بستگان یا مقاماتی که برای شرکت در مراسم تشییع جنازه حاضر می‌شوند، ابتدا به دوقدمی پیکر پاک شهید رفته و ادای احترام می‌کنند و سپس در محل‌های معینی که پیش‌بینی شده، به طریقی که غیرنظامیان و نظامیان جدا از یکدیگر و در مقابل محلی که پیکر پاک شهید در آنجا قرار دارد، مستقر می‌شوند.

- پس از اینکه پیکر پاک شهید از مبدأ روی دوش عناصر تشریفات ازپیش‌تعیین‌شده (شش‌نفر) که از طرف یگان تشییع‌کننده برای این منظور در نظر گرفته شده‌اند، قرار گرفت، به‌آهستگی حرکت کرده و در محل استقرار اولیه (مقابل نفر اول یگان رزم‌نواز) متوقف می‌شود.

- در ابتدا عناصر رزم‌نواز حداقل در دو صف سه‌نفره و عناصر تشریفات در سه صف ۱۲نفره با توجه به مسیر تشییع مستقر می‌شوند.

- به محض رسیدن پیکر پاک شهید به مقابل یگان رزم‌نواز، پیکر متوقف و فرمانده عناصر تشریفات با سه حرکت از صف خارج و سپس فرمان پیش‌فنگ می‌دهد (به پیکر شهید یا شهیدان پیش‌فنگ) و یگان رزم‌نواز آهنگ ویژه مراسم مزبور «سرود شهیدان خدایی» را می‌نوازد و در این زمان تا خاتمه نواخته‌شدن سرود، پیکر شهید متوقف خواهد بود و پس از پایان آهنگ سرود، پیکر پاک شهید از مقابل عناصر تشریفات به‌آهستگی عبور داده شده و در مقابل نفر آخر یگان تشریفات متوقف می‌شود و در این لحظه فرمان پافنگ توسط فرمانده یگان تشریفات داده می‌شود و در کوتاه‌ترین زمان، آرایش جهت حرکت پیکر پاک شهید به دستور فرمانده یگان اجرا می‌شود. در این زمان سلاح عناصر تشریفات به صورت نگون‌فنگ خواهد بود.

- ترتیب استقرار و حرکت عناصر شرکت‌کننده در مراسم تشییع بعد از استقرار ثانویه عناصر تشریفات: یگان رزم‌نواز، قاب‌عکس شهید، دسته‌گل به‌همراه حاملان، فرمانده یگان تشریفات

- عناصر تشریفات در دو ستون ۱۸نفره برای کارکنان شهید استقراریافته به‌طوری‌که پیکر شهید در وسط عناصر تشریفات قرار گیرد.

تبصره ۱: سلاح عناصر تشریفات به حالت نگون‌فنگ خواهد بود.

تبصره ۲: ترتیب استقرار بدرقه‌کنندگان در حالت پیاده و در عقب پیکر پاک شهید به شرح ذیل خواهد بود:

۱- هیأت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان سیاسی در صورت شرکت

۲- بستگان درجه‌یک شهید

۳- کارکنان شرکت‌کننده از یگان مربوط به محل کار شهید

۴- سایر بستگان شهید

تبصره ۳: در موقع مراسم تشییع جنازه، یک یا دو دستگاه اتوبوس از طریق یگان برای حمل بستگان شهید پیش‌بینی و اعزام می‌شود.

پس از آنکه آرایش یگان رزم‌نواز و یگان تشریفات پایان پذیرفت، مراسم وداع به شرح ذیل انجام خواهد شد:

۱- یگان رزم‌نواز و یگان تشریفات سریعا به صورت آرایش اولیه درآمده به‌طوری‌که بین پیکر پاک شهید و آمبولانس قرار می‌گیرند. در فاصله‌ای که یگان رزم‌نواز و یگان تشریفات جمع خواهند شد، آمبولانس حامل پیکر پاک شهید در حالت توقف است. سپس به فرمان فرمانده تشریفات، عناصر تشریفات پیش‌فنگ کرده و یگان رزم‌نواز آهنگ ویژه وداع را می‌نوازند و پیکر پاک شهید از جلو یگان رزم‌نواز و یگان تشریفات به‌آهستگی عبور داده شده و در داخل آمبولانس قرار داده می‌شود.

۲- به محض قرارگرفتن پیکر پاک شهید در داخل آمبولانس، از طرف فرمانده یگان تشریفات فرمان پافنگ داده شده و سپس آمبولانس به‌آهستگی حرکت و به سمت آرامگاه یا محل اجرای مراسم خاک‌سپاری حرکت می‌کند.

* کارشناس معاونت اجتماعی پلیس آگاهی فاتب

بیژن بیرنگ: امام هم از مردم عذرخواهی کرد

«این خانه دور است»، «خانه سبز» و «همسران» در دوره‌ای الگوساز جامعه بودند. در تمام این سریال‌ها، قسمتی برای آموزش عذرخواهی و نحوه پذیرش اشتباه وجود داشت. فرهنگ عذرخواهی‌ای که بیژن بیرنگ و مسعود رسام در این سریال‌ها آموزش می‌دادند، امروز چقدر قابل‌اعتناست؟ بیژن بیرنگ، به سؤالات ما پاسخ می‌دهد:

چطور می‌توانستید در سریال‌ها عذرخواهی‌های باورپذیری طراحی کنید؟

در دل جامعه و میان مردم، شکل و رسم عذرخواهی با آنچه موردنظر شماست، متفاوت است. وقتی یک پدر یا مادر از فرزندش عذرخواهی می‌کند یا وقتی فرزندی به خاطر فرستادن مادرش به خانه سالمندان از او عذرخواهی می‌کند، باور، صداقت و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر، مسیر پذیرفتن عذرخواهی را هموار می‌کند اما وقتی داریم در بستر سیاست از عذرخواهی حرف می‌زنیم، وضع فرق می‌کند.

به نظرتان مردم عذرخواهی مسئولان دولتی را می‌پذیرند؟

شما خودتان جواب این سؤال را می‌دانید. سخت است باور چنین چیزی. احتمال دارد در میان مردم، گروه‌هایی باشند که عذرخواهی را بپذیرند اما باید مسئولان و سیاست‌مداران رفتارهایی پس از عذرخواهی از خود نشان دهند که مردم به این باور برسند که آن عذرخواهی از صمیم قلب بوده است. فکر می‌کنم کسی که عذرخواهی می‌کند، فرد شجاعی است، خصوصا وقتی در محدوده و عرصه سیاست باشد. ما در تاریخ انقلاب هم عذرخواهی امام راحل را داریم که اگر درست به خاطر بیاورم در روزهای جنگ اتفاق افتاد. ایشان به‌عنوان رهبر یک کش